

ارزشهای انسانی در قرآن کریم



* دکتر دل آرا نعمتی پیر علی ** رخساره حشم فیروز

* چکیده :

در دو دین اسلام و مسیحیت سعادت بشر در تمام شئون زندگی اهتمام ورزیده اند. تعالیم هر دو دین بر معرفی معیارهای انسانیت و ارزشهای انسانی اهتمام داشته و جهت ارتقای آن ها تلاش نموده و رهنمودهای را به انسان ارائه می دهد. اما قرآن کریم با توجه به همه ی ابعاد گوناگون حیات انسان او را در زندگی فردی، اجتماعی، مادی و معنوی راهبری نموده و به سوی کمالات روحانی سوق می دهد.

* کلید واژه :

قرآن، اناجیل، انسان، ارزشها

* مقدمه :

وجه تفضیل انسان نسبت به سایر موجودات تکریم او به جهت اعطای قوه ی تعقل است موهبتی که به موجب آن انسان قادر به شناخت خیر و شر، نیک و بد، حق و باطل می گردد. لذا میزان به کار گیری این قوه در جهت بهره مندی از ارزشهای انسانی وجه تفضیل انسان خواهد بود

* معیار ارزشمندی انسان در اناجیل و قرآن

از دیدگاه بینش اسلامی کرامت انسانی بر دو گونه است:

الف) کرامت انسان طبیعی

* استاد یار دانشکده ی الهیات دانشگاه آزاد واحد کرج

* دانش آموخته علوم قرآن و حدیث دانشگاه آزاد کرج

ب) کرامت انسان الهی.

کرامت طبیعی انسان آن است که همه ی انسان ها بدون استثناء از آن برخوردارند. همین که انسانند کرامت و منزلتی طبیعی دارند. در ارتباط با کرامت انسان قرآن می فرماید: ﴿وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ...﴾ (الاسراء/۱۷/۷۰) «و ما آدمی زادگان را گرامی داشتیم...» و اما کرامت انسان الهی عبارتست از شرف و حیثیت و ارج و ارزشی که با کوشش و خواست خود انسان به دست می آید. انسانی که در راه پالایش خویش و اندوختن دانش و آگاهی و شناخت جهان گام برمی دارد از کرامت انسانی الهی برخوردار است. (رشاد /۷/ ۲۵۰-۲۴۵)

تقوی تخلق ارزشهای انسانی است به همین منظور به صورت تطبیقی به بررسی آن می پردازیم .

(۱) صبر

کلمه «صبر» به معنای امساک و خودداری در تنگنا است. کلمه ی «صبر» به طور کلی به معنای حبس و نگهداری نفس است و در برابر عمل به مقرراتی که عقل و شرع معتبر می شمارند و با ترک چیزهایی که عقل و شرع اقتضاء می کنند که نفوس را از ارتکاب آن حبس کرد. (راغب /۱/ ۴۷۴)

در اناجیل اربعه به فرازهایی برخورد می نمائیم که از آن ها مفهوم صبر داشتن استنباط می گردد: عیسی در پاسخ گروهی که در مورد مسیح بودن او سؤال نمودند می فرماید: «اگر هم که بگویم، باور نخواهید کرد و اجازه نخواهید داد که از خود دفاع نمایم. اما به زودی زمانی فرا خواهد رسید که من در کنار خدای قادر مطلق بر تخت سلطنت خواهم نشست.» (لوقا/۲۲/۶۸-۶۹)

و در قرآن نیز آیات فراوانی را می توان یافت که به شرح صبر پرداخته است آن جا که می فرماید:

﴿وَلَمَنْ صَبَرَ وَغَفَرَ إِنَّ ذَلِكَ لَمِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ﴾ (الشوری/۴۲/۴۳) « و هر که صبر کند و درگذرد، مسلماً این (خویشتن داری، حاکمی) از اراده ی قوی (در) کارهاست.»

ارزشهای انسانی
در قرآن کریم

﴿وَ اصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ﴾ (هود/۱۱/۱۱۵) «و صبر کن همانا خداوند پاداش نیکوکاران را ضایع نمی کند.»

در این آیه امر به صبر به صورت مطلق نموده است که همه نوع صبر را در برمی گیرد از صبر بر عبادت و صبر بر معصیت و یا صبر در مصیبت، بلکه همه آن ها را شامل می گردد. (المیزان / ۷۸/۱)

۲) اداء امانت

آن چه از کلمه «امانات» به ذهن انسان متواتر می گردد انواع امانت ها است که مردم به یکدیگر اعتماد نموده و هریک به دیگری می سپارند که شامل مال و جان و عرض و.. است و شخص امین آن را رعایت نموده و در حفظش می کوشد و به آن خیانت نمی کند. در مجمع البیان می خوانیم که منظور تنها مال و جان و عرض نمی باشد، بلکه مطلق وظایف اعتقادی و عملی را شامل می گردد که خداوند متعال به عهده انسان ها گذاشته پس این امانت ها هم شامل حق الله و هم حق الناس است. که خیانت در یک مورد آن خیانت به خداوند است.

در انجیل مرقس در مورد امانت که شامل رساندن پیام الهی است می خوانیم که شاگردان حضرت عیسی علیه السلام به شهرهای مختلف می رفتند تا پیام را به همه انسان ها برسانند و خداوند نیز با ارائه معجزاتی به آنان پیامشان را ثابت می نمود. (مرقس / ۱۶/۳) اما در آیات قرآنی ما به وضوح لفظ امانت را مشاهده می نمائیم آن جا که خداوند می فرماید:

﴿قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ* الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ... وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ﴾ (المومنون/ ۸-۱) «به راستی که مؤمنان رستگار شدند. همانان که در نمازشان فروتنند... و آنان که امانت ها و پیمان خود را رعایت می کنند.»

«امانت» در اصل مصدر می باشد ولی بسیار می شود که به آن چیزی که سپرده شده چه مال و چه اسرار و امثال آن نیز امانت می گویند و در آیه شریفه نیز مقصود همان است و اگر آن را به صیغه ی جمع آورده، دلیل بر آن است که همه اقسام امانت ها که در بین مردم است گفته می شود امانات شامل تمامی تکالیف الهی که در بشر به ودیعه سپرده شده و همچنین شامل اعضاء و جوارح

ارزشهای انسانی
در قرآن کریم

و قوای بشر می شود که باید در کارهایی که مایه ی رضای خدا است به کاربرست و نیز شامل هر نعمت و مالی است که به آدمی سپرده می شود. (المیزان / ۱۱/۱۸)

۳) انفاق

یکی از بزرگ ترین اموری که اسلام در یکی از دو رکن «حقوق الناس» و «حقوق الله» مورد اهتمام قرار داده و به طرق و انحای گوناگون، مردم را بدان وادار ساخته است انفاق است. پاره ای را واجب که شامل زکات خمس، کفارات مالی، و اقسام فدیة و پاره ای از صدقات و اموری از قبیل وقف سکنی دادن مادام العمر کسی وصیت و بخشش ها و... مستحب می باشد.

در فقرات از اناجیل به وضوح می توان بخشش و امر نمودن به آن را مشاهده نمود. در مورد سیر کردن جماعتی به دست عیسی علیه السلام آمده که: پس عیسی به مردم گفت که بر روی سبزه بنشینند و سپس نان و ماهی را برداشت و به آسمان نگریست و از خداوند خواسته تا به آن برکت دهند پس نان ها را تکه تکه کرد و به شاگردانش داد تا به مردم بدهند همه خوردند و سیر شدند. وقتی خرده نان ها را جمع نمود ۱۲ سبد پُر شد. (متی / ۹/۱۴-۱۲) (مرقس / ۶/۷-۸) (لوقا / ۹/۱۶-۱۷) (یوحنا / ۱۱/۶-۱۳)

و در مبحث لزوم بخشش نیز آمده که پادشاهی به یکی از زیردستان خود که بخشش را فراموش کرده بود می گوید:

ای ظالم بدجنس، من به خواهش تو بود که آن قرض کلان را بخشیدم آیا حقش نبود که تو نیز به آن مرد رحم می نمودی و می بخشیدی همان گونه که من به تو رحم کردم. (متی / ۱۸/۳۲-۳۳)

عیسی علیه السلام فرمود: اگر می خواهی این راه را به کمال برسانی برو و هرچه داری بفروش و پولش را به فقرا ده تا گنج تو در آسمان باشد نه در زمین آن گاه بیا و مرا پیروی نما. (متی / ۱۹/۲۱) هرچه دارید بفروشید و به فقرا بدهید تا برای خود در آخرت گنج و ثروتی اندوخته باشید ثروتی که هرگز تلف نمی شود و دزدها به آن دستبرد نمی زنند آن را تباه نمی سازند. زیرا گنجتان هر کجا باشد فکر و دلتان نیز همان جا خواهد بود. (لوقا / ۱۲/۳۲-۳۴)

در قرآن نیز تأکید بسیاری بر مسأله انفاق نموده و این که انفاق باید به چه صورتی باشد و نیز به بیان عواقب این انفاق می پردازد:

﴿مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ...﴾ (البقره/۲/۲۱۶) «کسانی که مال هایشان را در راه خدا انفاق می کنند...»

﴿الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾ (البقره/۲/۲۷۴) «کسانی که انفاق می کنند مال هایشان را در شب و روز به صورت پنهانی و آشکار پس برای آن ها اجری است نزد پروردگارشان و برای آن ها هیچ ترس و اندوهی نخواهد بود.»

﴿الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ﴾ (البقره/۳/۳) «کسانی که ایمان می آوردند به غیب و به پا می دارند نماز را و از آن چه به آن ها روزی دادیم انفاق می کنند.»

در حکمت ۱۲۳ نهج البلاغه می خوانیم که: خوشا به حال آن کس که خود را کوچک می شمارد و کسب و کار او پاکیزه است و جانش پاک و اخلاقش نیکوست، که مازاد بر مصرف زندگی را در راه خدا بخشش می کند و زبان را از زیاده گویی باز می دارد و آزار او به مردم نمی رسد و سنت پیامبر صلوات الله علیه و آله او را کفایت کرده.

۴) فداکاری در راه خدا

در آیات قرآن و همچنین در فقراتی از اناجیل مطالبی پیرامون فداکاری در راه خدا و پاداشی که در مقابل آن به این دسته از انسان ها داده می شود آمده که همگی دلیلی است بر اهمیت این موضوع: «خوشا به حال آنان که برای برقراری در صلح در میان مردم کوشش می کنند، زیرا ایشان فرزندان خدا نامیده خواهند شد.» (متی/۵/۹) «عیسی در جواب شاگردان نسبت به بزرگی می گوید: هر که به خاطر من خدمتی به این کودک نماید در واقع به من خدمت نموده و هر که به من خدمت کند به پدرم که مرا فرستاده است خدمت کرده است.» (مرقس/۹/۳۷)

ارزشهای انسانی
در قرآن کریم

«خاطر جمع باشید کسی که به خاطر من و انجیل چیزی را از دست بدهد مثل خانه، برادر، خواهر، اموال و.. خدا به او صدبرابر بیشتر خانه، برادر و .. خواهد داد و درعالم آینده نیز زندگی جاوید نصیب او خواهد شد.» (مرقس/۱۰/۲۹-۳۰) «من خود را وقف آنان کرده ام تا در راستی و پاکی رشد کنند» (یوحنا/۱۷/۱۹) در قرآن می خوانیم که:

﴿وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَؤُفٌ بِالْعِبَادِ﴾ (البقره/۲/۲۰۷) «و از میان مردم کسی است که جان خود را برای طلب خشنودی خدا می فروشد و خدا نسبت به این بندگان مهربان است.»

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ تِجَارَةٍ تُنْجِيكُمْ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ * تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ ذَلِكَ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾ (الصف/۱۱/۶۱-۱۰) «ای کسانی که ایمان آورده اید آیا شما را به تجارتی سودمند که شما را از عذابی دردناک می رها کند راه نمایم؟ به خدا و رسولش ایمان راستین آورید و در راه خدا با مال و جانتان جهاد کنید این ایمان و جهاد اگر بدانید برای شما بهتر است.»

این آیات مؤمنین را به ایمان به خدا و رسول او و به جهاد در راه خدا دعوت نموده و آنان را نیز به مغفرت و جنت در آخرت و در نتیجه نصرت و فتح در دنیا و عده ای جمیل می هد و ایشان را دعوت می کند به این که نسبت به وعده نصرت خدا و تأیید او اعتماد کنند. در ابتدا آیه استفهام جنبه ی پیشنهادی را دارد که در معنای امر است. در این آیه شریفه ایمان و جهاد تجارت به حساب آمده است که سرمایه ی آن جان آدمی و رنج آن نجات از عذاب دردناک است. تجارت به صورت نکره در این آیه دلیل بر تجارتی مهم و عظیم و جلیل القدر است. (المیزان /۲۸/۴۳۶)

کلمه ی «تجارت» نیز به طوری که راغب گفته است به معنای تصرف در سرمایه به منظور به دست آوردن سود است و در کلام عرب به غیر از کلمه هیچ کلمه ای نیست که بعد از حرف «تا» حرف «جیم» آمده باشد. (راغب /۱/۱۶۴)

۵) وفای به عهد

کلمه ی «عهد» برحسب عرف و اصطلاح شرع به معنای آن چیزی است که انسان با صیغه عهد ملتزم به آن شده باشد. مانند نذر و سوگند و ممکن است منظور از آن، مطلق تکلیف هایی باشد که متوجه مؤمنین می گردد. در متی آمده: «پس اگر نذری داری و می خواهی گوسفندی را در خانه خدا قربانی کنی همان لحظه بیا و از دوستت که از تو رنجیده عذرخواهی نما و پس بیا و به قربانگاه و نذرت را به خدا تقدیم کن.» (متی/۵-۲۲-۲۴) باز گفته شده که قسم دروغ نخور و هرگاه به نام خدا قسم یاد کنی آن را وفاکن. (متی/۵-۳۲) و آن چه که در قرآن پیرامون عهد آمده:

﴿... وَ أَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا﴾ (الاسرا/۱۷/۳۴) «... و به پیمان خود وفا کنید زیرا که از پیمان پرسش خواهد.»

﴿مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ...﴾ (الاحزاب/۳۳/۲۳) «مومنان با خدا عهد بستند که در برخورد با دشمنان از صحنه کارزار نگریزند. از میان آنان مردانی بودند که به آن چه با خدا پیمان بستند صادقانه وفا کنند...»



ارزشهای انسانی
در قرآن کریم

﴿الَّذِينَ يُؤْفُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَ لَا يَنْقُضُونَ الْمِيثَاقَ﴾ (الرعد/۲۰/۱۳) « کسانی که وفا می کنند به عهدهی که با خدا بستند و نقض نمی-کنند پیمانشان را.»

۶) ایمان و عمل صالح

تسلیم توام با اطمینان خاطر را ایمان گویند. در انجیل متی می خوانیم که به گروهی از روحانیون متظار که به قصد تعمید به پیش او آمدند این گونه خطاب می کند که: پیش از آن که شما را تعمید دهم، باید به کارهای شایسته، ثابت کنید که از گناهان خود توبه کرده اید. (متی ۹/۳) عیسی در جواب شیطان این گونه می گوید که ای شیطان! کتاب مقدس می فرماید: فقط خداوند را اطاعات کنید و تنها او را بپرستید. (متی ۱۰/۴) (لوقا/۸/۴) خوشا به حال آنان که به سبب نیک کردار بودن آزار می بینند، زیرا ایشان از برکات ملوکات آسمان بهره مند کند خواهند شد. (متی/۱۰/۵)

«مواظب باشید اعمال نیک خود را در انظار مردم انجام ندهید تا شما را ببینند و تحسین کنند، چرا که در این صورت نزد پدر آسمانی تان اجری نخواهید داشت.» (متی ۱/۶)

عیسی علیه السلام به شاگردانش می گوید از آن جهتی که ایمانتان کم است اگر شما حتی به اندازه ی دانه ی خردل نیز ایمان می داشتید می توانستید به این کوه بگوئید حرکت کند و در این صورت از شما اطاعت می کرد و برای کسی که ایمان داشته باشد هیچ کاری غیرممکن نیست. (متی/۲۰/۱۷) خداوند را که خدای توست با تمام قلب و جان و عقل دوست داشته باش که این اولین و مهم ترین دستور خداست. (متی/۲۲/۳۹-۳۸) عالم مذهبی در جواب عیسی در مورد ایمان این گونه می گوید: فقط یک خدا وجود دارد و غیر از او خدای دیگری نیست و من قبول دارم که باید او را با تمام قلب و فهم و قوتم دوست بدارم و دیگران را نیز به اندازه ی خودم دوست بدارم این کار حتی از قربانی کردن حیوانات در خانه ی خدا مهم تر است. (مرقس/۱۲/۳۲-۳۳)

«نوشته شده که خداوند خدای خود را با تمام دل و با تمام جان و با تمام قوت و با تمام فکرت دوست بدار» (لوقا/۱۰/۲۷) کسانی که به او ایمان می آورند

پی می برند که خداوند سرچشمه راستی است. (یوحنا/۳/۳۳)

در آیات قرآنی نیز هر جا سخن از ایمان به میان آمده در کنارش اعمال صالح را نیز مطرح نموده این خود نشان از ارتباط تنگاتنگی است بین ایمان و اعمال، چراکه اعمال انسان ناشی از ایمان است.

﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾ (البقره/۲/۲۷۷) «همانا کسانی که ایمان آورده اند و اعمال صالح انجام داده اند و نماز را بر پا داشته اند و زکات داده اند برای آن ها در نزد پروردگارشان پاداشی است و ترس و اندوهی بر آنان نیست.»

﴿فَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ﴾ (الحج/۲۲/۵۰) «پس آنان که گرویده و عمل صالح انجام دادند آمرزش و روزی نیکو برایشان خواهد بود.»

﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ طُوبَىٰ لَهُمْ وَحَسُنَ مَا أَبْرَأَهُمُ اللَّهُ مِنَ الْعَالَمِينَ﴾ (الرعد/۱۳/۲۹) «کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام دادند خوشا به حالشان و خوش سرانجامی دارند.»

۷) علم و دانش اندوزی

پس از آن که عیسی احکام را به شاگردانش داد از آن جا به شهرهای مجارو به راه افتاد تا در آن جا نیز به مردم تعلیم دهد و موعظه نماید. (متی/۱۱/۱)

پس از بیان حکایات عیسی به شهر ناصره بازگشت و در عبادتگاه به تعلیم مردم پرداخت. (متی/۱۳/۵۳) علاوه بر اینکه در اناجیل فقراتی را به بحث تعلیم می پردازد در آیات قرآن نیز به وضوح مسأله علم و دانش اندوزی به چشم می خورد:

﴿...هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولَٰئِكَ الْأَلْبَابُ﴾، (الزمر/۹/۳۹) «... بگو آیا یکسان هست کسانی که می-دانند و کسانی که نمی دانند؟ تنها خردمندان هستند که می پذیرند.»

﴿يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ﴾ (المجادله/۱۱/۵۸) «خدا کسانی از شما را که گرویده و کسانی را که دانشمندند (برحسب) درجات بلند گرداند و خدا به آن چه می کنید آگاه است.»

ارزشهای انسانی
در قرآن کریم

۸) خوف الهی

در کتاب مقدس (اناجیل) و قرآن مسأله ترس مطرح می گردد که این ترس را مختص ذات او دانسته و به پیروان گوشزد می نماید که فقط باید از خداوند ترسید:

«ترسید از کسانی که می توانند فقط بدن شما را بکشند ولی نمی توانند به روحتان صدمه ای بزنند از خدای بترسید که قادر است هم بدن و هم روح شما را در جهنم هلاک کند.» (متی / ۱۰/ ۸)

« لطف و رحمت او نسل اندر نسل شامل حال آنانی می شود که از او می ترسند. » (لوقا/ ۱/ ۵۰)

« از خدای بترسید که هم قدرت دارد بکشد و هم به جهنم بیندازد، بلی باید از او ترسید. (لوقا/ ۱۲/ ۵) ﴿وَلِمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّاتٌ﴾ (الرحمان/ ۵۵/ ۴۶) » و هر کس را که از مقام پروردگارش بترسد دو باغ است.»

۹) استقامت در دین داری

در مسیحیت افرادی که در دین داری خود استقامت می ورزند به افراد عاقلی تشبیه شده اند که بناهای محکم را در مکان های مناسب می سازد و هرگز هیچ چیز مانع خرابی آن نمی گردد و همچنین داشتن، صفات حسنه، استقامت ورزیدن به آن ها نمونه ای از استقامت معرفی می گردد. هر که احکام مرا می شنود و آن ها را به جای می آورد شخصی داناست، او مانند ان مرد عاقلی است که خانه اش را صخره ای محکم بنا کرد. هر چه باران و سیل آید و باد و طوفان بر آن خانه وزد خراب نشود چون روی صخره ساخته شده است. (متی/ ۷/ ۲۴-۲۵)

« قتل نکن، زنا نکن، دروغ نگو و به پدر و مادرت احترام بگذار و دیگران را مانند خودت دوست داشته باش. » (متی/ ۱۹/ ۱۶) (مرقس/ ۹/ ۱۰)

« دعا کنید و از خداوند بخواهید مغلوب و سوسه هایش نشوید. » (لوقا/ ۲۲/ ۴۰)

« درستکاران به سمت نور می آیند با شادی تا همه ببینند آنچه می کنند پسندیده ی خداست » (یوحنا/ ۳/ ۲۱)

« در جای دیگر ایمان را سبب جاودانگی زندگی معرفی می نماید: « هر که پیغام مرا گوش دهد و به خدا ایمان آورد خدای که مرا فرستاده زندگی جاوید خواهد داشت. » (یوحنا/۵/۲۴)

﴿إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾ (الاحقاف/۴۶/۱۳) « همانا کسانی که گفتند: پروردگار ما خداست پس ایستادگی کردند و هیچ بیم و اندوهی بر آنان نخواهد بود. »

﴿إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا...﴾ (فصلت/۴۱/۳۰) « همانا کسانی که گفتند: پروردگار ما خداست پس ایستادگی کردند فرشتگان بر آنان فرود می آیند و به آنان می گویند بیم مدارید و غمگین نباشید...»

راغب می گوید: کلمه استقامت در اصل در خصوص طریقی به کار می رفته که به خط مستقیم کشیده شده باشد. (المفردات ۱/۶۸۸) و در آیه شریفه ی ﴿هُدًى لِّلصِّرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ﴾ (الفاتحه/۶) حق را به چنین راهی تشبیه کرده، پس می گوید: و استقامت انسان به این معناست که همواره ملازم طریقه ی مستقیم باشد که خداوند متعال درباره چنین انسان هایی فرموده: ﴿إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا...﴾ (فصلت/۴۱/۳۰)

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَ يَثْبُتْ أَقْدَامَكُمْ﴾ (محمد/۴۷/۷) «ای کسانی که ایمان آوردید اگر خدا را یاری کنید یاری تان می کند و گام هایتان را استوار می نماید.»

دعا (۱۰)

یکی از عبادتها دعا است و آن عبارتست از مجسم ساختن توجه قلبی و درخواست باطنی به صورت درخواست ظاهری که ما افراد بشر در بین خود داریم و در برابر پروردگاران آن حالتی را می گیریم که یک انسان فقیر که خود را پست احساس می کند در برابر توانگری که خود را عزیز و عالی پنداشته به خود می گیرد دست خود را در مقابل او دراز نموده گردن خود را کج می کن و با حالت ذلت و تضرع حاجت خود را سوال می کند. (المیزان ۲/۵۴) «دعا» نیز

ارزشهای انسانی
در قرآن کریم

یکی دیگر از مسائلی است که آن را می توان به وفور در اناجیل مشاهده نمود و در این فقرات روش دعا کردن را به پیروانش می آموزد و این که چگونه باید دعا نمود و از او خواست و از دعا کردن نباید ناامید بود:

«آن قدر دعا کنید تا جواب دعایتان داده شود. آن قدر جستجو کنید تا بیابید. آن قدر در بزنید تا در باز شود. زیرا هر که در خواست کند، بدست خواهد آورد. هر که جستجو کند خواهد یافت و هر که در بزند، در به رویش باز خواهد شد.» (لوقا/۹/۱۱-۱۰)

عیسی درباره جدیت و ناامید شدن از دعا به شاگردان خود این گونه می گوید که همیشه دعا کنند و تا زمانی که جواب دعای خود را نگرفته اند، از دعا کردن باز نایستند. (لوقا/۱/۱۸)

«دشمنان خود را دوست بدارید و هر که شما را لعنت کند، برای او دعای برکت کنید و برای آنان که به شما ناسزا می گویند و شما را آزار می دهند، دعای خیر نمایید» (متی/۴۳-۴۴)

«هرگاه دعا می کنی مانند ریاکاران نباش که دوست دارند در عبادتگاه ها یا در گوشه و کنار خیابان ها نماز بخوانند تا توجه مردم را به خود جلب کنند. هرگاه دعا می کنی در تنهایی و در خلوت دل، پدر آسمانی را عبادت نما... وقتی دعا می کنی، مانند کسانی که خدای حقیقی را نمی شناسند و وردهای بی معنی تکرار نکنید... پدرتان قبل از این که از او چیزی بخواهید کاملاً از نیازهای شما آگاه است... به دنبال این سخنان عیسی یکسری دعا را به شاگردان خود می آموزد.» (متی/۵/۶-۹)

«کتاب آسمانی می فرماید که خانه ی من خانه ی دعاست.» (متی/۱۳/۲۱)

«اگر ایمان داشته باشید در دعا هر چه بخواهید خدا به شما می دهد. وقتی دعا می کنید اگر نسبت به کسی کینه دارید او را ببخشید تا پدر آسمانی شما را، نیز ببخشد و از تقصیرات شما بگذرد.» (مرقس/۱۱/۲۵)

یکی از شاگردان عیسی که او را مشغول دعا دید پس از اتمام دعا گفت:

ارزشهای انسانی
در قرآن کریم

« خداوندا همان طور که یحیی طرز دعا کردن را به شاگردا خود آموخت، تو نیز به ما بیاموز» (لوقا/۱/۱)

قرآن نیز در این باره می فرماید:

﴿وَ إِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي...﴾ (البقره/۱۸۶/۲) « و هرگاه بندگان من، از تو درباره ی من بپرسند (بگو) من نزدیکم دعای دعاکننده را به هنگامی که مرا بخواند اجابت می کنم.»

﴿أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَ يَكْشِفُ السُّوءَ...﴾ ، (النمل/۶۲/۲۷) «یا (کیست) که درمانده را چون وی را بخواند اجابت می کند...»

۱۱) توکل

«توکل» نیز یکی دیگر از مباحث مهم در اناجیل می باشد آن جا که می فرماید: باید همه چیز را بر خدا سپرد و نباید غصه خوراک و پوشاک را داشت چرا که همه چیز تحت امر خداست و باید در همه حال بر او توکل کرد چرا که روزی دادن به دست اوست و تنها اهل توکل هستند که برخداوند توکل می نمایند. پس غصه خوراک و پوشاک را نخورید چون بی ایمانان درباره ی این چیزها دائماً فکر می کنند و سخن می گویند شما با ایشان فرق دارید، پدر آسمانی شما کاملاً می داند شما به چه چیزی نیاز دارید. (متی/۳۱/۶-۳۲)

« پس غصه فردا را نخورید، چون خدا در فکر فردای شما نیز می باشد، مشکلات هر روز برای همان روز کافی است لازم نیست مشکلات روز بعد را نیز به آن بیفزایید.» (متی/۳۴/۶) قرآن نیز در این باره می فرماید:

﴿وَ يَرْزُقُهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَ مَنْ يَتَّوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ...﴾ (الطلاق/۳/۶۵) « از جایی که حسابش را نمی کند، به او روزی می رساند و هر کس بر خدا اعتماد کند او برای وی بس است...»

﴿...قُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ يَتَّوَكَّلُ الْمُتَوَكِّلُونَ﴾ (الزمر/۳۸/۳۹) « بگو خدا مرا بس است اهل توکل تنها بر او توکل می کنند»

ارزشهای انسانی
در قرآن کریم

✽ نتایج :

کرامت بر دو گونه است طبیعی والهی در نوع اول همه ی انسانها به طور یکسان از آن برخوردار هستند اما در نوع دوم این تلاش خود انسانهاست که سبب کسب آن می گردد

براساس دو دیدگاه انسان موجودی است مشتمل بر بعد مادی ومعنوی که حقیقت وجودی انسان روح و بعد ملکوتی وی است .

در هر دو دین بر ارزشهای انسانی تاکید می ورزد.

✽ منابع

-قرآن کریم .ترجمه ی سید محمد رضا صفوی.

-کتاب مقدس.ترجمه ی تفسیری شامل عهدعتیق و عهد جدید.

- اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، ناشر دارالعلم الدر الشامیه، دمشق بیروت، ۱۴۱۲

- رشاد، علی اکبر، دانشنامه امام علی (علیه السلام)، پژوهشکده فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران، ۱۳۸۰

طباطبائی .سید محمد حسین.المیزان فی تفسیر القرآن .دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین قم.قم ۱۴۱۷ق-

-نعمتی پیرعلی، دل آراء شخصیت زن در قرآن و کتاب مقدس، نشر مجنون، قم، ۱۳۸۶ش

- شهیدی .محمد.نهج البلاغه .انتشارات الهادی .تهران ۱۳۸۴.

ارزشهای انسانی
در قرآن کریم